

روزنه

آملی لاریجانی:

می‌خواستند با سیاه‌نمایی زحمات قوه قضائیه را نادیده بگیرند



● **باشگاه خبرنگاران جوان:** آیت‌الله آملی‌لاریجانی با اشاره به تغییروتحول آتی در قوه قضائیه، گفت: با ارتحال آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی و حسب برخی ضرورت‌ها، مقام معظم رهبری بنده را برای ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضویت در شورای نگهبان نصب کردند و طبیعی بود که به‌یک‌باره امکان رهاکردن قوه قضائیه وجود نداشت. فرصتی را برای رتق‌وفتق امور جاری در اختیار داشتم، اما معتقد بودم که به لحاظ اجرایی، جمع این مناصب ممکن نیست.

بسر همین اساس طی نامه‌ای از محضر معظم‌له خواستم که با توجه به مدت قلیل باقی‌مانده از دوره ریاست قوه قضائیه، برای اینکه خللی در امور پیش نیاید و بتوانم بر امور مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان که مسئولیت‌های مهمی در آنها تعریف شده است متمرکز شوم، اگر صلاح می‌دانند قبل از پایان دوره اینجانب، ریاست جدید را منصوب کنند تا بنده در مجمع و شورای نگهبان برای انجام امور، متمحض شوم. ایشان نیز مانند همیشه با لطف خود این تقاضا را پذیرفتند و حسب اطلاع، ان‌شاءالله طی روزهای آینده ریاست جدید قوه قضائیه منصوب می‌شود.

رئیس قوه قضائیه پس از قرائت پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه خود، گفت: ما هم باید از محضر ایشان بابت لطف همتیگی و بی‌دریغشان به بنده و دستگاه قضائی تشکر کنیم. تقریباً به یاد ندارم که برای طرح مشکلات دستگاه قضائی به ایشان مراجعه کرده باشم و در حد مقدرات اقدامی برای رفع مشکلات نکرده باشم. صمیمانه از محضر رهبر معظم انقلاب برای همه این الطاف و ارشادات در طول ۱۰ سال گذشته سپاسگزارم.

رئیس قوه قضائیه با قدردانی از تلاش دست‌اندرکاران دستگاه قضائی برای پرداختن به امور فرهنگی و رفاهی قضات و کارکنان شریف این دستگاه و همچنین تلاش خود و مسئولان قضائی در جهت ارتقای سطح حقوق پرداختی به قضات و کارکنان، بازسازی و نوسازی اماکن قضائی را مورد اشاره قرار داد و گفت: وضعیت برخی دادسراها، دادگاه‌ها و سایر اماکن در دستگاه قضائی، زینده این دستگاه نبود و در گستره عظیم جغرافیایی کشور، ساختمان‌های نابسامان و استیجاری زیادی داشتیم که خوشبختانه با تلاش همکاران و بهره‌مندی از آب‌باریکه بودجه خاص قوه قضائیه توانستیم در این مدت، بیش از یک میلیون مترمربع ساخت‌وساز داشته باشیم که عمده آن مربوط به نوسازی و تجهیز دادسراها، دادگاه‌ها و ... بوده است.

آیت‌الله آملی‌لاریجانی اضافه کرد: نکته جالب این است که حسب گزارش، تقریباً ارزش ساختمان‌هایی که از طریق بودجه خاص، تأسیس و بازسازی شد، امروز بیش از ۲۵ هزار میلیارد تومان؛ یعنی ۱۰ برابر زمانی است که سرمایه‌گذاری شده بود.

لاریجانی افزود: متأسفانه عده‌ای نیز در داخل، تخریب قوه قضائیه و مسئولان آن را در دستور کار قرار دادند و با ارائه گزارش‌های دروغ و دادن نسبت‌های خلاف‌واقع، ارزیابی‌های ناعادلانه‌ای را دامن زدند. یک‌باره می‌گفتند کل دستگاه قضائی را فساد گرفته است.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به رسیدگی قوه قضائیه به بیش از ۱۶ میلیون پرونده صرفاً در طول یک سال، اظهار کرد: برخی همین موضوع را به‌عنوان نقصی علیه قوه قضائیه مطرح می‌کردند و تلاش داشتند که با سیاه‌نمایی تمام، زحمات قوه قضائیه را نادیده بگیرند. البته روسیاهی برای خودشان باقی ماند. البته نحوه برخورد و رسیدگی‌ها بی‌اثر نیست، ولی واقعاً چه میزان از پرونده‌ها حاصل ضعف در این مسئله است؟ اگر کسی دزدی می‌کند، دستگاه قضائی مقصر است؟ اگر به حق تجاوز می‌شود، قوه قضائیه تقصیر دارد؟ «عدم قناعت به حق خود» از اول تاریخ بوده و باز هم هست. اینکه مجاهدت‌های عظیم در دستگاه قضائی نادیده گرفته شود، کاملاً غیرمنصفانه است.

ادامه از صفحه ۲

پایه اصلی انجمن حجتیه عدم دخالت در سیاست بود. شاه به این دلیل اینها را پذیرفته بود. اینها با امام مخالف بودند به دلیل اینکه چرا اصلاً امام کار سیاسی می‌کند و وارد سیاست شده است. حالا آمده‌اند برجام را با استدلال‌های این‌شکلی خودشان رد می‌کنند. عین استدلال‌های همان دلوایسان و بقیه کسانی که مخالف دولت هستند. با گوش‌دادن سخنرانی برخی از اینها احساس کردم پیوندی بین دو جریان انجمن حجتیه و مخالفان دولت برقرار شده که می‌خواهند هرطور شده برجام را از بین ببرند، دولت را زمین بزنند و در دولت بعدی سهمیه باشند. این خطرناک است یعنی همان انجمن حجتیه‌ای که می‌گفت ما اصلاً با سیاست کاری نداریم شما چرا اصلاً وارد سیاست می‌شوید. حالا با حربه سیاسی آمده و عناصرش با سخنرانی‌هایشان با دولت برخورد می‌کنند تا بعداً در دولت سهمیه شوند و قدرت بگیرند که خیلی خطرناک است.

● من از اول این (وجود افراد انجمن حجتیه در حلقه روحانی) را با خود آقای روحانی هم مطرح کردم ولی ایشان به راحتی از کنارش گذشتند. بعضی از بزرگان کشور هم این مسئله را مطرح کردند ولی عملاً گوش ندادند. البته آقای روحانی خودش انجمن حجتیه‌ای نیست ولی برخی از مسئولان ما گرفتار این چیزها می‌شوند.

● (در بحث حوزه علمیه چرا افرادی به نمایندگی خودخوانده از حوزه صحبت می‌کنند که هیچ سابقه‌ای در انقلاب ندارند بلکه برخی به تیم آیت‌الله شریعتمداری منتسب‌اند؟) یک مقدار وسیع‌تر از آقای شریعتمداری است اینکه شما می‌گویید. شاید سهم آنها در این جریان که شما به آن اشاره کردید، خیلی کم باشد. جریان‌های مخالف انقلاب که معروف به جریان‌های سنتی هستند، ربطی هم به آقای شریعتمداری و امثال او ندارند، الان در حوزه جان گرفته و بالا آمده‌اند. آنها خیلی فعال هستند و برای آینده هم نقشه دارند. حتی در حد رسیدن به مرجعیت که در آنجا از آن پایگاه بتوانند علیه انقلاب کار کنند. این الان کاملاً مشهود است و وجود دارد. در حوزه یک جریانی خودش را انقلابی می‌داند که البته از بیرون هدایت می‌شود و دلش می‌خواهد همه چیز در دست خودش باشد و همه چیز را هم نظر بدهد و تعیین کند و به دیگران اجازه اظهارنظر و ورود به مسائل ندهد.

این جریان نوعی عمل می‌کند که دلسوزانی که شما اشاره می‌کنید که چرا آنها وارد صحنه نمی‌شوند، واقعاً در تنگنا قرار می‌گیرند و همین باعث می‌شود احساس کنند که آمدنشان به صحنه چیزی را حل نمی‌کند و حتی ختنی می‌شود و در نتیجه این دو جریان، به هم مشغول می‌شوند. آن جریان سنتی مخالف انقلاب بیشتر رشد می‌کند و کار خودش را پیش می‌برد. کلاً

جریان حجتیه هم در حوزه نفوذ می‌کند و کار خودش را می‌کند و هم در جاهای دیگر و در قالب‌های مختلف فکر تکنیک فقط در سنتی‌ها، در جاهای دیگر هم نفوذ می‌کنند، برای اینکه بتوانند کار خودشان را پیش ببرند. اینها بخشی از همان جریانی هستند که من گفتم می‌خواهند حاکمیت حوزه را در اختیار داشته باشند. البته در نهایت من موفقتی برایشان پیش‌بینی نمی‌کنم. چون الان حوزه خیلی رشد کرده و آدم‌های فاضل، بیدار و انقلابی در حوزه زیاد هستند که با اصل انقلاب و نظام پیوند خوبی دارند. درست است که ممکن است کردوخاگاهایی توسط دیگران صورت بگیرد اما نتیجه چیز دیگری است.

بمب‌گذاری در «خرداد»

به روایت سردبیر

وارد ساختمان شود. همه دغدغه‌ها این بود که نکند انتشار روزنامه دچار مشکل شود. برای اینکه چنین اتفاقی رخ ندهد، گفتم ما باید هر طور شده، روزنامه را منتشر کنیم.

اگر نمی‌گفتم بمب صوتی بوده است، شاید اغلب اعضای تحریریه در ساختمان نمی‌ماندند و ما نمی‌توانستیم روزنامه فردا را منتشر کنیم. البته حق هم داشتند که در ساختمان نمانند. شیشه‌های ساختمان به‌کلی خرد شده بود و سرما و سوز تحمل‌ناپذیری داخل تحریریه را پر کرده بود.

میان اعضای تحریریه رفتم و گفتم: من به‌عنوان سردبیر این روزنامه به شما می‌گویم بمب‌گذاران می‌خواهند در انتشار مستمر خرداد و بقیه پیش آید. برای همین ما باید امشب هر طور که شده، خرداد را آماده انتشار کنیم.

تا آنجا که یادم هست، در آن زمان ما جزء اولین روزنامه‌هایی بودیم که حروف‌چینی‌مان کامپیوتری بود؛ اما انفجار، همه این دستگاه‌ها را از بین برده بود.

به این فکر افتادیم که هرکس هر دست‌نوشته‌ای دارد، آن را جمع کنیم و با هماهنگی با آقای عطریانفر که مدیرعامل وقت همشهری و همراه آقای نوری در سفر عربستان بود، این مطلب را به روزنامه همشهری سپرده و آنجا حروف‌چینی‌اش انجام شود.

شبیه به‌یادماندن بود. دیگر دبیر و سردبیر و خبرنگار مفهومی نداشت. همه یک جان و یک دل کار کردند تا روزنامه فردا منتشر شود. خانم فرزانه روستایی، دبیر سرویس بین‌الملل، هم علاوه بر کار تحریریه آن شب با دم‌کردن و آوردن مدام چای کمک کرد تا سرما را تحمل کنیم. در نهایت هم مطلب را برای حروف‌چینی به همشهری سپردیم و بعد هم صفحه‌آرایی و منتشر شد.

خوشبختانه آن شب نه‌تنها وقفه‌ای در انتشار خرداد پیش نیامد؛ بلکه این روزنامه زودتر از شای‌های دیگر روانه چاپخانه شد. از وزارت اطلاعات یکی، دو جلسه‌ای آمدند و با من و پس از بازگشت آقای نوری با ایشان هم جلساتی را داشتند؛ ولی تصور نمی‌کنم که موضوع به صورت جدی پیگیری شد. البته این بمب‌گذاری به نظر من دلیل دیگری هم داشت. تا یادم نرفته در همین‌جا متذکر شوم که بمب هم صوتی نبود؛ بلکه بمب انفجاری و واقعی بود.

سیاست

روایت مسیح مهاجری از انجمن حجتیه



● (درباره مصاحبه موسوی‌خوئینی و مطالبی که درباره هاشمی‌فسنجانی گفته است که ایشان را چپ و دارای گرایشات چپ‌گرایانه توصیف کردند. از طرفی هم گفتند که سوپررادیکال بودند) من مصاحبه آقای موسوی‌خوئینی را که یک بار کامل خواندم چنین چیزی از حرف‌هایشان نمی‌فهمم که گفته باشند کمونیست. آقای هاشمی همیشه نه فقط آن زمان، در این دسته‌بندی‌های این‌جوری، نه از نظر وابستگی به یک جناح، در این دسته‌بندی‌های مصطلح در ادبیات سیاسی جهان و ایران، چپ و راست، آقای هاشمی هیچ‌وقت راست نبود... آقای هاشمی هیچ‌وقت این‌چور نبود که با جناح راست همفکر و همسان باشد، این‌جوری نبود. از نظر جناحی وابسته به هیچ‌کدام از اینها نبود؛ یعنی نه جناح راست و نه جناح چپ. اما در مجموع گرایش‌های فکری آقای هاشمی را اگر در نظر بگیریم به طرف جناح چپ بود و این یک واقعیت است. بنابراین اگر آقای موسوی‌خوئینی این را گفته باشد درست است به این معنا و نه به معنای کمونیست یا هر چیز دیگر.

● (درباره حذف نخست‌وزیری و مطالبی که در آن مصاحبه آمده بود گفته بودند... چون آقای هاشمی می‌خواستند رئیس‌جمهور شود تلاش وافری برای حذف نخست‌وزیری داشت...) حالا آنجا که من نبودم بخواهم درباره‌اش چیزی بگویم. ولی کل ماجرا را در دو نکته برایتان می‌گویم؛ نخست اینکه حذف نخست‌وزیری تقریباً برای مسئولین اصلی کشور اجماعی شده بود به دلیل اختلافاتی که در آن دور اول اعمال قانون اساسی یعنی دهه ۶۰ بین ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری پیش آمده بود. یعنی ساختار کشور در قانون اساسی اول طوری بود که رئیس‌جمهور یک ماشین امضا و همه‌کاره نخست‌وزیر بود. طبعاً اختلافات زیادی پیش آمد که در کتاب‌ها هم هست. حتی نامه‌های مبادله‌شده بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر آن زمان جمع شده و هست. این باعث شده بود که عده‌ای از سیران نظام به این نتیجه برسند که برای حل این اختلاف خوب است که قدرت را یک جا متمرکز کنند و آن رئیس‌جمهور باشد... این زمان امام و درواقع اختلافات زمان امام بود و وقتی که امام گفتند این کار را انجام

بدهید بنا بر این بود که در قانون اساسی این مسئله را هم مطرح کنند و به آن برسند و این نتیجه را بگیرند.

● (بحث دیگری که ایشان مطرح کرده بودند، درباره شورایی‌کردن رهبری و نظر آقای هاشمی در مورد آن بوده، در بحث بعدی هم گفته بودند به پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری ابتدا برای ۱۰ سال تصویب شده بود. اما یک روز بعد، چند نفر از جمله آقای آذری‌قمی و مومن گفتند این بحث در قم انجام و مطرح شده که مدت‌دارکردن رهبری خلاف شرع است. به گفته آقای موسوی‌خوئینی، آقای کروبی معترض می‌شود و می‌گوید این دیروز تصویب شده؛ اما آقای هاشمی می‌گوید دیروز هم مثل اینکه این رای شبهه داشته است.)

این چیزی است که آقایان کروبی و موسوی‌خوئینی و بعضی‌های دیگر هم مطرح کرده‌اند منتها این موضوع زمانی مطرح شد که دیگر ما به آقای هاشمی دسترسی نداشتیم که از ایشان بپرسیم. آقای هاشمی فوت کرده بودند... من در آن جمع نبودم منتها شناختی که از آقای هاشمی دارم، این نبود که آقای هاشمی یک چیزی را به میل شخصی خودش بخواهد پیش ببرد. بله، آقای هاشمی اگر جایی تشخیص می‌داد که برای نظام واجب است، تلاش خودش را می‌کرد. مثل انتخاب رهبر بعد از امام. تشخیص آقای هاشمی در آن جمع و در آن فضا و شرایط این بود که باید کار کرد همان روز رهبر انتخاب شود و برای فردا نماند، در کشور مشکلات داشتیم. دلایل و مطالبی که داشت را به شکل خوبی مطرح کرد که بتواند به نتیجه برسد و رهبر همان روز انتخاب شود. برای مصلحت نظام بود والا اگر قرار بود برای خودش کار کند طوری کار را پیش می‌برد که یکی دیگری با خودش انتخاب شود، غیر از خودش کسی نشود. در عین حال عیبی هم ندارد. آقای موسوی‌خوئینی و کروبی نظرشان را بگویند...

● من چون در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بودم و آنجا همه مسائل روز مطرح می‌شد، این جنگ تا سفارت آمریکا تا مسائل داخلی دیگر همه اینها مطرح می‌شد و تصمیم حزب هم آنجا گرفته می‌شد، خدمت شما می‌گویم که هیچ‌وقت من از آقای بهشتی و آقای هاشمی مخالفتی با تسخیر سفارت آمریکا نشنیدم. عملاً آقای بهشتی بعد از ظهر همان روز در جلسه خبرگان رهبری موضع حامیانه شدید گرفتند.

● (آقای خوئینی درباره انتخابات ۷۶ گفت‌اند که نزد آقای هاشمی رفته‌اند و نطق معروف آقای هاشمی بیشتر در حمایت از آقای ناطق بود و نه آقای خاتمی). در حدی که من در جریان بودم و هستم. آقای هاشمی بنایی بر این نداشت که در آن انتخابات به عنوان شخص خودش که آن زمان رئیس‌جمهور بود کاری کند که این نشود و آن بشود. آقای هاشمی واقعاً دنبال مسئله سلامت انتخابات بود. یعنی می‌خواست کاری کند که انتخابات سالم برگزار شود. به همین دلیل آن حرف را زد و به نظرم اصلاح‌طلبان در مقابل آقای هاشمی خیلی ناسپاسی کردند... طبیعی است که اصلاح‌طلبان بگویند نه آقا! ما فقط نقد کردیم و تخریب نکردیم. اما واقعیت این است که آن زمان تخریب بود... خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور که باید حافظ اعتبار، احترام، کرامت و حقوق شهروندی همه باشد، وظیفه داشت از آقای هاشمی حمایت کند و جلوی تخریب‌ها را بگیرد ولی این کار را نکرد.

● دور آخری که آقای هاشمی بودند و تشکیل شد و رئیس شدند، پنج سال آخر عمر آقای هاشمی، به‌شوخ‌ی به آقای هاشمی گفتم همه‌تان سر کارید!


الو شرق ۰۲۶۰۸۸۶۴۰
sharghline@sharghdaily.ir
 پینک: ۰۴۶۹۹۳۰۰۰

● **دخالت‌های ناپجا:** دخالت‌ها باعث شد دکتر محمدجواد ظریف، با ظرافت استعفاي خود را اعلام کند. به صلاح کشور نیست مُهره‌ای قوی و کاردان کنار گذاشته شود.

● **بانک مرکزی تورم واقعی را اعلام کند:** پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی تورم واقعی را اعلام کند و مسئولیتی رسیدگی به حقوق کارگران را دارند. در تعیین حقوق‌ها تورم را لحاظ و عدالت را رعایت کنند.

● **بازار سوم!** بازار دوم نازی‌آباد با حضور دست‌فروشان و معتادان به بازار سوم تبدیل شده است. از شهردار منطقه ۱۶ و نیروی انتظامی تقاضای ساماندهی بازار دوم نازی‌آباد را داریم.

عبدالحمد حسین‌نیا

● **تحریم آجیل!** برخی‌ها بر این عقیده‌اند که امسال مردم برای عید نوروز از خرید آجیل خودداری و آن را تحریم کنند. شاید این پیشنهاد از سوی عده‌ای به کاهش قیمت‌ها کمک کند، اما این راه و رسم مبارزه با گرانی نیست، بلکه مسئولان باید برای کاهش قیمت‌ها به‌طور اساسی و قانونی اقدام کنند.

علی‌اکبر فرقانی از تهران

● **چرا نامهربانی با دیوار مهربانی؟** سال‌های گذشته دیوار مهربانی راه‌اندازی شد و مردم می‌توانستند لباس‌های غیرقابل استفاده‌شان را روی دیوار مهربانی قرار دهند و بی‌بضاعت‌ها هم آنها را بردارند و استفاده کنند. علت تعطیلی و نامهربانی با دیوار مهربانی چیست؟

● **جاده زیارت ناهارخوران گرگان را دربیابید!** این همه درباره حفظ جنگل و طبیعت خدادادی تأکید شده است، چرا عده‌ای سودجو اقدام به تخریب جنگل و درختان جاده زیارت، بالاتر از ناهارخوران گرگان می‌کنند و مسئولان هم دست روی دست می‌گذارند و کاری انجام نمی‌دهند؟

● **غرفه‌های مترو خاک می‌خورند!** گرانی اجاره غرفه‌های برخی ایستگاه‌های مترو باعث شده خالی بمانند و خاک بخورند! این همه جوانان بی‌کار به دست‌فروشی روی آورده‌اند و در ایستگاه‌های مترو و ترن‌ها جولان می‌دهند و برای مسافران مزاحمت ایجاد می‌کنند. اما مسئولان مترو حاضر نیستند غرفه‌ها را با قیمت‌های مناسب در اختیار آنان بگذارند.



جشنواره بزرگ همراه بانک تجارت

کمک هزینه خرید ۳ واحد مسکونی

جایزه یک‌تجارت حرفه‌ای

۳ کمک هزینه خرید واحد مسکونی

به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱۴۰ جایزه ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

۲۱۰ بن‌خیزده ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

دیجی‌کالا

حداقل امتیاز لازم

شرکت در جشنواره ۱۰۰ امتیاز

کمک هزینه خرید مسکن ۱۰۰۰ امتیاز

از ۱۵ بهمن الی ۱۵ فروردین ۱۳۹۸

برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه کنید

mobilebank.tejaratbank.ir



بانک تجارت

روابط عمومی